



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



رسالت  
علیهما الصلوات  
والتسلیمات

www.ghaemiyeh.com  
www.ghaemiyeh.org  
www.ghaemiyeh.net  
www.ghaemiyeh.ir

# زیارت



محمد مهدی رکنی یزدی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# زیارت دیداری مشتاقانه، حرکتی شورانگیز و انقلاب آفرین

نویسنده:

محمد مهدی رکنی یزدی

ناشر چاپی:

کنگره جهانی حضرت رضا(ع)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۶	زیارت
۶	مشخصات کتاب
۶	توصیف زیارت
۶	زیارت در احادیث
۸	زیارت در سنت
۱۰	اثر زیارت در بیداری و خودسازی
۱۰	آثار انقلابی زیارت و ممانعت زائران
۱۲	اهمیت زیارت سیدالشهدا
۱۳	فضیلت زیارت ثامن الائمه علیه السلام
۱۵	دو عنصر عاطفی زیارت
۱۶	بر فراز قله‌ی زمان
۱۷	پاورقی
۱۹	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## زیارت

### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: زیارت: دیداری مشتاقانه، حرکتی شورانگیز و انقلاب آفرین / رکنی یزدی، محمدمهدی، - ۱۳۰۹. مشخصات نشر: [مشهد]: کنگره جهانی حضرت رضا علیه السلام، انتشارات، ۱۴۰۴ ق = ۱۳۶۲. مشخصات ظاهری: ص ۴۰ وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی یادداشت: کتابنامه ص [۳۹] - ۴۰؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع: زیارت رده بندی کنگره: BP۲۶۲ / ر ۹ از ۹ رده بندی دیویی: ۲۹۷ / ۷۶ شماره کتابشناسی ملی: م ۶۴-۳۲۳۸

### توصیف زیارت

بسم الله الرحمن الرحيم زیارت دیداری است مشتاقانه، با حضور در پیشگاه آن که دوستش داریم و بزرگش می‌شماریم. زیارت حضور در اماکن مقدسه است و رویارویی با رسول خدا و ائمه‌ی هدی، که با حرکتی از شهر و دیار به شوق دیدار شروع می‌شود، حرکتی ظاهرا در مکان و به حقیقت در دل و جان. زیارت برقرار کردن ارتباط قلبی است با حجت خدا، قرار دادن خویشتن خویش است در حوزه‌ی روحانیت و اشراق ولی الهی که انسانی است متعالی و خدا نمای، با ابعاد وجودی گسترده، و بار معنویتش را از آفریدگار می‌گیرد و واسطه‌ی رحمت و فیض رسانی به آفریده‌ها است. زیارت حضور در مشهد است و تجلیل و تکریم شهید، یعنی جان باخته در راه خدا و زنده به حیات ابد [۱] زیارتنامه‌ها از نظر ادبی شیوا و رسا، نغز و پر مغز، موزون و مسجع است، و همچون دعاها سرودی مذهبی و شعری آسمانیست که با مضامین عالیش خواننده را به معراجی روحانی می‌برد و حالی ملکوتی می‌بخشد. زیارت همچون عبادت ریشه در فطرت آدمی دارد، زیرا چنان که انسان بطور طبیعی پیشوایان دینی و علمی و رجال سیاسی و اجتماعی را در [صفحه ۵۳۲] زندگیشان بزرگ می‌شمرد، و به صورتهای مختلف نسبت به آنها ادای احترام می‌کند، پس از فوت نیز به تعظیم و تکریم مدفن و آثار برجا مانده از آنان می‌پردازد، و به زیارت آنها می‌رود و به صورتهای مختلف ادای احترام می‌کند. با اندک تأمل در می‌یابیم زیارت قبور بزرگان، در حقیقت به بزرگداشت دین و فضیلت و علم و صلاح برمی‌گردد، یعنی مفاهیم والای انسانی که در نزد همه آدمی زادگان - از هر ملت و نژاد و سرزمینی که باشند. محترم و مقدس است، و ریشه در سرشت انسان دارد. همین علاقه‌ی فطری و انگیزه‌ی درونی بوده که ساختن معابد و زیارتگاه‌ها را در دنیا سبب شده، و صحنه‌ی گسترده‌ی زیارت را - با آداب و رسوم گوناگون - در همه‌ی کشورها و بین همه‌ی ملتها به وجود آمده است [۲]، که هم امروز نیز پایدار است، چنان که دنیای به اصطلاح متمدن نه تنها خود را بی‌نیاز از زیارت نمی‌بیند، بلکه دعا و طلب آمرزش و زیارت قبور مقدس را برای تشفی آلام روحی لازم و مفید هم می‌داند.

### زیارت در احادیث

شایسته است اینک نظری به احادیث رسیده از معصومین ببندازیم، و سیمای معنوی زیارت را در فروغ سخنان نورانی آنها ببینیم: ۱- آغاز کلام را به حدیثی از امام علی بن موسی الرضا - علیه آلاف التحية و الثنا - اختصاص می‌دهیم که می‌فرماید: هر امامی را پیمانی در گردن اولیائش و شیعه‌اش می‌باشد. وفای به این پیمان وقتی تمام و کامل [صفحه ۵۳۳] است که قبرهایشان زیارت شود. پس کسی که امامان را مشتاقانه زیارت کند، و به آنچه مورد خواست و رغبت آنان بوده تصدیق داشته باشد آنان در روز رستاخیز شفیع او خواهند بود [۱۳]. نخستین تعلیم این حدیث - که در کتب معتبر نقل شده - این است که زیارت متمم و مکمل وفای به

عهدی است که هر مأموم با امام خود بسته، و به زبان امروز رأی اعتمادی است که به رهبر فکری و عقیدتی‌اش می‌دهد، به خصوص اگر جملاتی از زیارتنامه‌ها را به خاطر آوریم که در آن اظهار ولایت و مودت زائر است به امام و تبری از مخالفان شان، و روشن است که این بعد از زیارت در ترسیم خط سیاسی زائر تا چه حد هم و مفید است. دومین آموزش بیان حالت خاصی است که زائر باید داشته باشد، یعنی رغبت و شوق فراوان به زیارت امام، که این ثمره‌ی معرفت به مزور است یعنی اعتقاد به این که «ائمه خلفای خدای عز و جل در زمین هستند» [۱۴] و امام مفترض الطاعه [۱۳]. سومین نکته‌ی آموزنده تصریح به تصدیق و باور داشت زائر است نسبت به آنچه مورد خواست و رغبت امام است. با توجه به این حقیقت که حجت‌های الهی خواستی و رضایی جز خواست و رضای خدای تعالی ندارند، به این نتیجه می‌رسیم که زائر باید در پی تحصیل رضای الهی و اطاعتش برآید. آری امام زائری چنین با معرفت را شفیع خواهد بود. ۲- عبدالله بن عمر از رسول خدا - صلی الله علیه و آله - روایت می‌کند که فرمود: هر کس قبر مرا زیارت کند شفاعتم او را واجب شود. علامه‌ی [صفحه ۵۳۴] محقق مرحوم امینی از کتب صحاح و مسانید حدیث اهل سنت ۴۱ مأخذ را نام می‌برد که حدیث مذکور را نقل کرده‌اند [۱۴] از طریق شیعه نیز این حدیث با عباراتی قریب به آن و یا با اضافاتی نقل شده [۱۳]، به طوری که جای تردیدی در صحتش باقی نمی‌گذارد. ۳- گاه اهمیت زیارت معصومین با تعبیراتی جالب بیان شده، چنانکه ائمه‌ی معصومین ما از پیامبر اکرم (ص) روایت می‌کنند که گفت: هر کس قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مانند کسی است که در حیاتم به سوی من هجرت کرده. پس اگر شما توانایی [زیارت از نزدیک را] ندارید، به سویم سلام فرستید که آن به من می‌رسد [۱۴]. با آنچه از اهمیت هجرت در تاریخ اسلام می‌دانیم می‌توانیم ارزش معنوی و فواید زیارت را نیز دریابیم. ۴- از نکات گفتنی و قابل توجه در موضوع زیارت، این که در اخبار مأثوره زیارت بقاع متبرکه جزء تکمیلی حج - که زیارت خانه‌ی خداست - شمرده شده، روایات فریقین هر دو به این نکته گویا است: عبدالله بن عمر از حضرت رسول - صلی الله علیه و آله - نقل می‌کند که فرمود: هر کس حج گزارد، سپس قبر مرا بعد از وفاتم زیارت کند، مانند کسی است که مرا در دوران حیاتم زیارت کرده است، و با من مصاحبت نموده. این حدیث را مرحوم امینی از ۲۱ حافظ و عالم حدیث شناس اهل سنت نقل کرده است [۱۳]. [صفحه ۵۳۵] نیز عبدالله بن عمر از آن حضرت روایت می‌کند که فرمود: هر کس قصد خانه‌ی خدا کند ولی مرا زیارت نکند بر من ستم کرده است [۱۴]. ۵- حضرت امام جعفر صادق - علیه السلام - در این باب فرمود: چون یکی از شما حج گزارد، حج خود را به زیارت ما ختم کند، که این جزء پایانی حج است [۱۳] و ابوجعفر حضرت باقر - علیه السلام - فرمود: تمامی حج به دیدار امام است [۱۴]. تأکید به زیارت پیشوای معصوم بعد از فریضه‌ی حج، نسبت به اباعبدالله الحسین علیه السلام بیشتر است، چنانکه از امام صادق - علیه السلام - روایت شده که: اگر یکی از شما تمام عمرش حج گزارد، امام حسین بن علی علیه السلام را زیارت نکند، حقی از حقوق خدا و رسولش را ترک کرده است، زیرا حق حسین - علیه السلام - فریضه‌ای است از خدا که بر هر مسلمانی واجب است [۱۳]. ۶- روایتی که ابوحمزه‌ی ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام در این باره نقل می‌کند، روشنگر این گونه احادیث است و تفسیری بر آنها، و اینک سخن وی: در حالی که ابوجعفر بر در مسجد نشسته بود، و مردمی را که طواف می‌کردند نظاره می‌نمود به من گفت: ای اباحمزه! اینان مأمور به چه کارند؟ [صفحه ۵۳۶] - من ندانستم چه پاسخ دهم، پس امام باقر خود گفت: - همانا به آنان امر شده که گرد این سنگها [مساوی خانه‌ی سنگی] طواف کنند، سپس نزد ما آیند تا ولایتشان را به ما اعلام کنند [۱۴]. در توضیح این حدیث گوئیم: نخست باید موقعیت زمانی - مکانی این سخن را در نظر آورد، که خانه‌ی خداست و هنگام مراسم حج، که بهترین مکان و زمان است برای بیان چنین حقیقتی. چنان که از نظر سیاسی اوایل حکومت فریبکارانه‌ی بنی عباس است، یعنی کسانی که به نام آل علی مسلمانان را دعوت به بیعت کردند، و سپس با خدعه و نیرنگ کنارشان زدند و زشت‌ترین ظلمها و فجایع را نسبت به آنان روا داشتند. در چنین اوضاعی است که امام پنجم ما به نکته‌ای نغز که مغز اعمال حج است و روح عبادات اشاره می‌فرماید، و اعلام ولایت را نسبت به امام بر حق و حجت خدا ضروری می‌شمرد، که البته لازمه‌اش تبری و کناره‌گیری از طاغوت

های زمان است. آری در عصری که جاه‌طلبان قدرت پرست ریاکار با تبلیغات عوام فریب خود طواف گرد خانه‌ی سنگین و حرکات بدنی بی‌روح را هدف اصلی - و نه وسیله‌ی مقدماتی - معرفی می‌کنند، تا مردم را دلخوش دارند که شعائر اسلامی عملی می‌شود، بر امام بر حق و پیشوای راستین است که ریشه‌ی مفساد و کانون مظالم را نشان دهد، و روح اعمال را که پذیرش ولایت و حکومت حجت خدا و تبری از مخالفان وی است معرفی کند، تا لازمه‌ی آن که برقراری عدالت اجتماعی، اعانت به بر و تقوی، مبارزه با ظالمان و مال اندو زان است نیز تحقق یابد، و بالأخره اعلامی «کلمه‌ی توحید» و ایجاد «توحید کلمه» بین مسلمین عملی گردد. [صفحه ۵۳۷]

## زیارت در سنت

کسانی بی‌خبر از تاریخ اسلام و سنت نبوی گمان می‌کنند زیارت رسمی است شیعی، که نظرهای خاص و سودجویی اشخاص آن را به وجود آورده، و در اسلام اصلی استوار ندارد. با اعتراف به این که شیعه به تعلیم ائمه‌ی هدی در احیا و ابقای زیارت پیشقدم و کوشا بوده، امام چنین نیست که در این کار بدعتی آورده و در دین نوآوری کرده باشد، زیرا زیارت قبور مؤمنان و اولیاء الله ریشه در سنت نبوی دارد، و در کتب معتبر برادران اهل سنت نیز آداب و خصوصیات آن به تفصیل ذکر شده، ولی چون ما را مجال بسط کلام در این باب نیست، همین مقدار یاد آورد می‌شویم: زیارت قبرهایی که پیامبر مرسل یا امام معصوم یا یکی از بزرگان مذهبی را در بر گرفته، در بین همه‌ی ملل و اقوام جهان رایج بوده و هست، و از صدر اسلام نیز سنتی معمول و مقبول بوده، و حتی همراه با شورها و شوق‌ها و رنج‌ها و سوگ‌ها انجام می‌شده که از آنهاست: زیارت رسول خدا - صلی الله علیه و آله - از قبر مادرش در «أبواء [۲۹]»، که ضمن سفر حجۃ الوداع بوده [۳۰]، [صفحه ۵۳۸] زیارت حضرت زهرا علیها السلام از مرقد مطهر پدرش [۳۱] و حمزه بن عبدالمطلب [۳۲]، زیارت بلال حبشی از مدفن مقدس رسول الله (ص) به واسطه‌ی خوابی که دیده بود [۳۳]، سوگواری امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر قبر مخفی حضرت زهرا سلام الله علیها [۲۰]، و بالأخره زیارت جابر از حائر مقدس سیدالشهدا حسین بن علی علیه السلام [۲۱]. اینها نمونه‌ی نخستین زیارت‌ها و بهترین زائران است، که از تاریخ اسلام به ما ارائه می‌دهد. اما احادیث نبوی و اقوال علمای اهل سنت گویاتر و بیشتر این سنت سنیه را بیان می‌کنند، و اهمیتش را در اسلام نشان می‌دهد. با رعایت اختصار به نقل اندکی از بسیار اکتفا می‌کنیم و طالبان تفصیل را به منابع مربوط ارجاع می‌دهیم: ۱- از عبدالله بن عمر نقل شده که رسول اکرم (ص) گفت: هر کس حج خانه خدا گزارد و مرا زیارت نکند بر من جفا کرده است [۲۲]. نیز از امیرالمؤمنین علی (ع) روایت شده که پیامبر خدا فرمود: هر کس قبرم را بعد از مردنم زیارت کند چنان است که در زندگیم مرا زیارت کرده، [صفحه ۵۳۹] و هر کس قبرم را زیارت نکند بر من جفا کرده است [۲۳]. با توجه به معنی «جفاء» که دوری گزیدن از دوست و ناراحت گردانیدنش می‌باشد [۲۴]، می‌توانیم میزان ضرورت و لزوم زیارت را دریابیم و هم به لطف تعبیر نبی رحمت پی ببریم. ۲- به استناد چنان احادیث و سنت مسلم، بزرگان از مذاهب اربعه به استحباب زیارت مرقد مطهر نبوی - صلوات الله علیه - تصریح کرده‌اند که بعضی از آنها نقل می‌شود: الف - قاضی القضاة ابوالحسن ماوردی (م. ۴۵۰). (در احکام السلطانیة (ص ۱۰۵) می‌نویسد: سرپرست حاجیان در مراجعت باید آنان را از طریق مدینه ببرد تا به زیارت قبر رسول الله - صلی الله علیه و آله - نایل شوند، و بدین ترتیب جمع بین حج خانه‌ی خدا و زیارت قبر رسول کرده باشد، و همچنین رعایت حرمت آن حضرت و ادای حقوق شده باشد. این زیارت هر چند از واجبات حج نیست، اما از مستحبات شرعی و عبادات پسندیده‌ی حاجیان است [۲۵]. ب - قاضی عیاض مالکی (م. ۵۴۴) در «الشفاء» چنین اظهار نظر می‌کند: زیارت قبر نبی اکرم (ص) سنتی است که علما بر آن اتفاق دارند و فضیلتی است که بدان ترغیب شده. سپس شماری از احادیث را ذکر می‌کند و از قول اسحاق بن ابراهیم فقیه چنین نقل می‌نماید: آنچه همواره شأن حج گزار است، زیارت مدینه و قصد نماز در مسجد [صفحه ۵۴۰] رسول الله - صلی الله علیه و آله - می‌باشد، و



تبرک به دیدن روضه‌اش و منبر و مرقدش، و جای نشستن و دست مالیدنش، قدمگاه و ستونی که به آن تکیه می‌کرده، و نزول گاه جبرئیل برای وحی بر حضرتش، و جایی که صحابه و پیشوایان مسلمین به قصد دیدارش آمده‌اند، و از این همه عبرت گرفتن برای حج گزار شایسته است [۲۶]. ج - ابن هبیره (م. ۵۶۰) در کتاب «اتفاق الأئمه» می‌گوید: مالک و شافعی و ابوحنیفه و احمد بن حنبل - که رحمت خدا بر ایشان باد - اتفاق نظر دارند که زیارت نبی اکرم - صلی الله علیه و آله - مستحب است [۲۷]. د - تقی الدین سبکی شافعی (م. ۷۵۶) کتابی کلان درباره‌ی زیارت نبی اعظم - صلی الله علیه و سلم - به نام «شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام» نوشت و آراء ابن تیمیه - دانشمند حنبلی سده‌ی هفتم [۲۸] - که زیارت مرقد نبوی را بدعت و مسافرت به این نیت را تحریم کرد رد نمود. سبکی بسیاری از اخبار رسیده در این باب را نقل، و نصوص علمای مذاهب اربعه را که دال بر استحباب زیارت است ذکر کرد و ادعای اجماع مسلمین بر آن نمود [۲۹]. ه - بنا بر استقصایی که علامه‌ی مرحوم عبدالحسین امینی کرده، شمار علمایی که نظیر مطالب مذکور را نقل کرده‌اند به ۴۲ تن می‌رسند، و آخرین [صفحه ۵۴۱] کتابی که نام می‌برد «الفقه علی المذاهب الاربعه» (ج ۱ / ۵۹۰) می‌باشد، که به صراحت زیارت قبر نبی اعظم ما را افضل مندوبات می‌شمرد و بعد از نقل احادیث وارده آداب زیارت حضرتش را بیان می‌کند [۳۰]. و - آخرین مدرک ما بر استحباب زیارت از دیدگاه اهل سنت، نظری است که عالم نام بردار محمد بن محمد غزالی طوسی (۴۵۰-۵۰۵) در «احیاء علوم الدین» بیان می‌کند و اینک ترجمه‌ی آن: زیارت قبور مستحب است، زیرا موجب یادآوری [آخرت] و عبرت گرفتن [از گذشتگان] است، و زیارت قبور صالحان مستحب است به جهت تبریک و عبرت گرفتن. رسول خدا - صلی الله علیه و آله [نخست] از زیارت قبور نهی می‌کرد، اما بعد اجازه داد. از حضرت علی - که خدا از او خشنود باد - روایت شده که رسول خدا (ص) گفت: همواره شما را از زیارت قبرها باز می‌داشتم [اما اکنون می‌گویم] قبور را زیارت کنید، که آخرت را به یاد شما می‌آورد، اما سخن ناروا و زشت [از غم فقدان مرده] مگوئید [۳۱]. نویسنده گوید: نهی اولیه از زیارت قبور ظاهراً بدین جهت بوده که آنچه مستحب است، زیارت قبور مؤمنین می‌باشد و تا آن زمان هنوز از مؤمنان صالح کسی چندان فوت نکرده و مصداقش موجود نبوده است. همین دانشمند در کتاب اسرار حج از «احیاء»، بعد از شرح فضیلت مکه‌ی مشرفه، در جایی که «فضیلت مدینه‌ی شریفه بر سایر شهرها» را شرح می‌دهد، مطلبی دارد که با موضوع سخن ما ارتباط مستقیم می‌یابد و نقل [صفحه ۵۴۲] کردنی است: بعد از مکه سرزمین مدینه افضل از سایر شهرها و بعد ارض مقدسه (مساوی بیت المقدس) است، اما بعد از این سه شهر سایر اماکن در فضیلت مساویند مگر مرزها، که اقامت گزیدن در آن نواحی برای آمادگی جهت دفاع از کشور اسلامی فضیلت زیادی دارد [۳۲]. به این جهت پیامبر - صلی الله علیه و آله - فرمود: کوچ کردن فضیلت ندارد مگر برای رفتن به سه مسجد: مسجد الحرام و مسجد من و مسجد اقصی. بعضی از علما به استناد این حدیث بر منبع از مسافرت جهت زیارت مشاهد و قبور علما و صلحا استدلال کرده‌اند، ولی من از این حدیث چنین حکمی در نمی‌یابم، بلکه به زیارت امر شده چنان که رسول اکرم (ص) فرمود: همواره شما را از زیارت قبرها باز می‌داشتم، ولی [اکنون می‌گویم] قبور را زیارت کنید، ولی سخن ناروا و یاهوی [از اندوه مرگ عزیزان] مگوئید. این حدیث [که نهی از شد حال می‌کند] درباره‌ی «مساجد» وارد شده و «مشاهد» مورد نظر نیست، زیرا بعد از آن سه مسجد سایر مساجد [در فضیلت] برابر و همانند هستند، و شهری نیست مگر آن که مسجدی دارد، پس کوچ کردن برای رفتن به مسجد دیگر معنی ندارد. اما مشاهد با هم مساوی نیستند، بلکه برکت زیارت آنها به قدر درجات مزور است نزد خدای عز و جل ... کاش می‌دانستم آیا آن که چنین سخنی می‌گوید از سفر کردن برای زیارت قبور انبیایی مانند ابراهیم و موسی و عیسی - علیهم السلام - و غیر [صفحه ۵۴۳] اینان هم منع می‌کند؟ و حال آن که منع کردن از چنین سفری [از نظر فقهی] در نهایت دشواری و محال بودن است. چون [زیارت قبور انبیا] تجویز شد، بنابراین قبور اولیا و علما و صلحا نیز از همین قبیل است. پس بعید نیست که هدف و مقصد از سفر چنین زیارتی باشد، همان طور که سفر به قصد زیارت علمای زنده انجام می‌گیرد [۳۳]. ملاحظه می‌شود چگونه این فقیه و محقق شافعی مذهب به استحباب زیارت فتوی می‌دهد، و حدیثی را

که بعدها مستند امثال ابن تیمیه و ابن عبدالوهاب شده بررسی می‌کند و شبهه‌ی وارده را پاسخ می‌دهد. بیان روشن و عالمانه‌ی غزالی ما را از بسط مقال در این مورد بی‌نیاز می‌کند و حقیقت جویان را کافی است.

## اثر زیارت در بیداری و خودسازی

آدمیزاد از دریچه‌ی چشم و گوش با جهان ارتباط پیدا می‌کند، و هر آنچه می‌بیند یا می‌شنود اثری متناسب بر روانش می‌گذارد، و طبعاً در او رغبت یا نفرت به کاری را برمی‌انگیزد، با توجه به این حالت طبیعی، در اسلام که مکتبی تربیتی است، برای غفلت زدایی از روح انسان و جلوگیری از استغراق در مادیات و خودپرستی، رفتن به گورستان و حضور بر قبرهای مسلمانان سنتی پسندیده و عملی مستحب شده، زیرا تأثیری شگرف در توجه پیدا کردن به سرای جاودان و دل بر کندن از زخارف دنیوی و تشویق به نیکوکاری و خیر رسانی دارد. از مشاهده‌ی آرامگاه ابدی کسانی که روزگاری در تلاش معاش سخت کوش و در جلب منفعت شخصی حریص بودند، کیست که محبت [صفحه ۵۴۴] دنیا بر دلش سرد نشود، و مسیر حرکتش در زندگی عوض نشود؟ کدام گوش ناشنوا است که فریاد این خاموشان صد زبان را نشنود؟ کدام چشم است که سکوت و سکون غوغا آفرینان عرصه‌ی گیتی را نبیند؟ کو آن جمال و جلال؟ کجاست آن قدرت و شوکت؟ این آگاهی و بیداری در زیارت از مقابر مسلمین و گورستان به طور کلی است، و حدیث مروی از رسول خدا (ص) نیز مؤید آن است که می‌فرماید: شما را از زیارت قبور نهی می‌کردم [اما امروز می‌گویم] قبور را زیارت کنید که شما را به یاد مرگ می‌اندازد [۳۴]. بر این فایده‌ی مهم باید آثاری که از زیارت مرقد شریف هر یک از انبیا و ائمه‌ی هدی عاید می‌شود نیز افزود، زیرا مشاهده متبرکه‌ی آنان نزول گاه رحمت خداست و عبادتگاه صالحان و مصداق کامل این سخن خدای تعالی که می‌فرماید: فی بیوت اذن الله أن ترفع و یذكر فیها اسمه [۳۵...]. چنان که در اخبار مذهبی [۳۶] حتی از طریق اهل سنت نقل شده، و نمونه‌ی آن حدیثی است که جلال الدین سیوطی در تفسیر در المنتور ذیل آیه‌ی مذکور نقل می‌نماید که: [صفحه ۵۴۵] رسول خدا (ص) وقتی آیه‌ی «فی بیوت اذن الله ان ترفع» را خواند مردی برخاست و پرسید: یا رسول الله این کدام بیوت است؟ فرمود بیوت انبیا. سپس ابوبکر برخاست و گفت یا رسول الله! لابد یکی از این بیتها بیت علی و فاطمه است؟ فرمود: بلی از بهترین آنهاست [۳۷]. آن طور که از ظاهر آیه برمی‌آید بلندی قدر این مکانها از آن روست که نام پاک خدای تعالی در آنها برده می‌شود، و یاد آفریدگار بزرگ دلها را فرا می‌گیرد، و چنانکه مشهود است مشاهد مشرفه‌ی ائمه‌ی معصومین نیز دارای این خصوصیت است، که از بام تا شام مردانی که تجارت و مشاغل زندگی آنان را به خود نمی‌کشد، به ذکر خدا و زیارت و دعا مشغولند. از جمله حالاتی که در چنین محیط روحانی - به خصوص بعد از خواندن زیارتنامه‌های مأثوره - به هر یک از زائران با معرفت دست می‌دهد تنبه و تذکر و محاسبه‌ی نفس است، که در آن حال گذشته‌ی زندگیش را - که خود بازیگر صحنه‌های آن بوده - بر پرده‌ی ذهن می‌بیند، و صحنه‌های تاریک و زشت آن اشک حسرت از دیدگانش روان می‌سازد، اما راهی برای رهایی از تبعات گناهانش نمی‌یابد، جز این که آفریدگار غفور ودود را به تفریبی که صاحب بقعه نزدش دارد بخواند و بخواهد که از خطا هایش درگذرد، و آثار سوء زشتکاری ها و ظلمها را از روحش زایل گرداند. بدین ترتیب زائر، خاتم انبیا یا ائمه‌ی هدی را که مظهر رحمت و جلوگاه محبت و هدایت آفریدگارند و مقرب، با شخصیت آلوده و دور مانده‌ی خود جفت و قرین می‌گرداند [۳۸]، [صفحه ۵۴۶] تا با این وسیله - که خدای مهربان خود قرار داده - رحمت و مغفرتش را جلب کند، و آمادگی روحی برای تقرب به معبود متعال را بیابد، و جبران عمر از دست رفته را بنماید، و این است معنی «شفاعت» که «خواهش کردن» مقربان الهی است برای آمرزش بنده‌ی تائب یا روا شدن حاجت زائر.

## آثار انقلابی زیارت و ممانعت زائران

آثار زیارت در روح و قلب انسان به تنه و تذکر منحصر نمی‌شود، بلکه در شور انگیزی و ایجاد روحیه‌ی انقلابی و دادخواهی و ستم کشی نیز تأثیری شگرف دارد، و چگونه چنین نباشد، که مضمون بسیاری از زیارات یادآور ستمها و جنایاتی است که بر عترت طاهره‌ی نبوی و اهل بیت عصمت رفته، و لعن بر قاتلان و ظالمان شان و دنباله روان آنان می‌باشد، و این نکته مخصوصاً در زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام بیشتر دیده می‌شود. توضیح این که بنابر آنچه در تواریخ آمده زیارت امام حسین علیه‌السلام و یارانش در سالهای اولیه چنان شورانگیز و انقلاب آفرین بود، و اثری آشکار در معرفی مظالم و اعمال کفرآمیز امویان داشت، که دستگاه حاکم چاره‌ای جز این ندید که از هجوم زائران به حائر حسینی جلوگیری نماید. در نیل به این مقصود دستور داد پیرامون کربلا پاسگاه‌هایی تعبیه کردند، و مأمورین غلاظ شداد به نگهبانی پرداختند تا مردم را از زیارت تربت پاکش مانع شوند. اما عشق حسینی که در دل مؤمنان نهفته بود، و تشویق امام باقر و صادق علیهما‌السلام به زیارت آن حضرت چنان بود که شیعیان در پوشش تاریکی شب به زیارت می‌رفتند، و گاه بعضی هم گرفتار می‌شدند و به [صفحه ۵۴۷] شدیدترین شکلی مجازات می‌شدند [۳۹]. در چنین شرایط سختی است که معنی واقعی این حدیث حضرت صادق علیه‌السلام واضح می‌شود که چون ابن بکیر بیم خود را از سلطان (مساوی حکومت سلطه و زور) و خبرگزاران جاسوس و دژ بانان مرزی اعلام می‌دارد به او می‌فرماید: ابن بکیر! آیا دوست نداری که خدا ترا در راه ما بیمناک ببیند؟ آیا نمی‌دانی هر کس که به خاطر ما ترس را پذیرا شود خدا او را در سایه‌ی عرش خود پناه دهد، و هم سخنش در زیر عرش الهی حسین (ع) باشد، و خدایش از هراس و ناراحتی‌های روز رستاخیز پناه دهد [۴۰]. نیز در تشویق به زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام با وجود خوف، معاویه بن وهب از همان امام نقل می‌کند که فرمود: ای معاویه: زیارت قبر حسین (ع) را به واسطه‌ی ترس و امگزار. همانا کسی که زیارتش را ترک کند حسرت و اندوهی او را فرامی‌گیرد که آرزو می‌کند کاش قبر امام نزدش بود. آیا دوست نداری که خدا شخص تو و همراهانت را در زمره‌ی گروهی بیند که رسول الله - صلی الله علیه و آله - و علی و فاطمه و ائمه علیهم‌السلام همه برایش دعا می‌کنند [۴۱]. با وجود چنین مشکلاتی است که زراره از حضرت باقر علیه‌السلام می‌پرسد: چه می‌فرمایی درباره‌ی کسی که زیارت پدرت را بیمناکانه و با خوف انجام دهد؟ امام پاسخ می‌دهد: روز قیامت که بیشترین ترس افراد [صفحه ۵۴۸] را فرامی‌گیرد، خدا او را در امان می‌دارد، و فرشتگان به بشارت با او برخورد می‌کنند و می‌گویند: مترس و اندوهگین مباش، این روز [سرور] تو است که در آن کامیابی و رستگاریت می‌باشد [۴۲]. باری از سال ۶۱ که شهادت اباعبدالله الحسین علیه‌السلام و اصحابش واقع شد، تا سال ۱۳۲ که انقراض حکومت ننگین و ظلم آلود بنی‌امیه است، با زوار آن حضرت بسیار بدرفتاری می‌شد، و به صورتهای مختلف برای آنان موانعی ایجاد می‌کردند، اما شور حسینی و مظالم اموی و وجود چنان احادیثی، سنت زیارت فرزند رسول خدا (ص) و برترین شهیدان دنیا را برقرار و مستدام داشت، چنان که شیفتگانش پیاده و شبانه، پنهان و خائفانه، به شوق دیدار حائر حسینی تنها و دسته جمعی، حرکت می‌کردند، و زیارت حقیقی را که ارتباط قلبی با امام و پیروی عملی از امام است انجام می‌دادند. آنچه مشکلات راه را تا حدی تسهیل می‌کرد وجود و دو دهکده آباد به نام غاضریه و نینوا بود، که حدود شمال شرقی و جنوب شرقی حائر امام قرار داشت. «از این دو دهکده و مخصوصاً از غاضریه که دم راه واقع شده بود، به ظاهر زائرین می‌توانستند آنجا را هدف و مقصد خویش وانمود کنند، و پس از توقف مختصری برای رفع سوء ظن افراد مسلح مخفیانه داخل حائر مقدس شوند» [۴۳]. این جنبه‌ی سیاسی - انقلابی زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام، در دوران عباسیان نیز وجود داشت، زیرا می‌بینیم آن ستمگران حيله گر پس از تحکیم پایه‌های حکومت خویش دستور تخریب و محو آثار مرقد مطهر [صفحه ۵۴۹] حسینی را صادر می‌کنند، و چنان که نوشته‌اند، «اول کسی که از بنی‌عباس این بدعت را وضع کرد منصور دوانیقی بود، وی در رأس ستون متجاوزین به حائر و قبر مطهر قرار گرفته است. رفتار منصور سرمشقی برای خلفای بعدی گردید، و هارون الرشید و متوکل از او پیروی نمودند. ظلم و ستم منصور و پرده‌داری او به جایی رسید که علمای دین سخت به معارضه‌ی او پرداختند، و دو تن از رؤسای مذاهب چهار گانه‌ی معاصر او که ابوحنیفه و مالک بن انس باشند، برای مردم مدینه

فتوی دادند که بیعتی را که منصور برای خویش گرفته مطابق با شرع نیست» [۴۴]. هارون الرشید در اواخر حکومت ظالمانه‌اش - آنگاه که از علاقه‌ی مردم به آل علی و کثرت زوار حسینی باخبر شد - دستور محو آثار حائر سیدالشهدا علیه‌السلام را صادر کرد [۴۵] متوکل عباسی - همان که نرون عرب لقب گرفت - چهار بار در سالهای ۲۴۷، ۲۳۷، ۲۳۶، ۲۳۳ آن مکان مقدس و کانون الهام بخش را مورد اهانت و تخریب قرار داد. ابوالفرج اصفهانی در مقاتل الطالبیین می‌نویسد: «قبر حسین علیه‌السلام را خراب کرد و آثار آن را محو نمود، و پاسگاه‌هایی در راه‌های زوار قبر او قرار داد که هیچ کدام از زوار راه‌گزینی نداشتند، و تمام به چنگ مأمورین او گرفتار شده، آنها را یا می‌کشت و یا به بدترین عقوبت‌ها مجازات می‌کرد» [۴۶]. با همه‌ی این ستمها و بازداشت‌ها و خشونت‌ها خیل زائران مشتاق سیدالشهدا [صفحه ۵۵۰] علیه‌السلام روانه‌ی آن قبله‌ی احرار می‌گشت، به طوری که این رشته‌ی معنوی - یعنی زیارت - که پیوند امام با مأمومین را برقرار می‌داشت هیچ‌گاه گسسته نشد، و پیام‌آور شورها و شوق‌ها، تولاها و تبراها، حق جوئی‌ها و کفر ستیزی‌ها بود، به خصوص که با مراسمی از سوگواری و مرثیه‌خوانی، بیان مناقب خاندان عترت و مظالم غاصبان حقوق‌آنان همراه می‌شد، و وجود چنین پیامها و حرکتها بود که حاکمان غاصب را به چنان عکس‌العمل‌های زشتی وامی‌داشت. ناگفته‌نماند سختگیری سلطه‌گران و ممانعت از زیارت، نسبت به بقاع سایر ائمه‌ی معصومین نیز کمابیش وجود داشته، چنان که حسین بن یسار واسطی بعد از آن که ثواب زیارت موسی بن جعفر علیه‌السلام را از حضرت رضا (ع) می‌شنود، می‌پرسد: اگر [از زیارت نزدیک] ترسیدم، و برایم دخول در حرمش ممکن نبود چه کنم؟ ثامن الائمة (ع) جواب می‌دهند: از پشت دیوار سلام بده [۴۷].

### اهمیت زیارت سیدالشهدا

گرچه ائمه‌ی معصومین ما که اهل بیت رسولند، هر یک به نوعی شهید شدند، و تاریخ تشیع از آغاز با خط خونین شهادت رقم خورد، اما کیفیت به شهادت رساندن حسین بن علی علیهما السلام آن قدر فجیع و ظالمانه، دل‌آزار و اندوه‌زا بود که در دفتر شهادت اسلام عنوانی برجسته و ممتاز یافت، و حادثه‌ای بی‌نظیر شد، و حضرتش به حق «سیدالشهدا» لقب گرفت، و «شهادت» با قیام و جهاد مقدسش معنی تازه و ارزشی بیشتر پیدا کرد. به موازات این دگرگونی در فرهنگ اسلام، «زیارت» نیز تولدی [صفحه ۵۵۱] دیگر یافت و وارد مرحله‌ای جدید شد، و معنی تازه پیدا کرد. زائر حسینی مقامی والا و سیمایی ملکوتی یافت، و کربلا قبله‌ی آزادگان و مورد عنایت خدای شهیدان گردید، و ثواب زیارتش افزون از حج بیت الله شد. شرح این نکات را از زبان روایات باید خواند، که تفصیلش را این گفتار بر نمی‌تابد، بدین جهت به نقل چهار حدیث بسنده می‌کنیم: ۱- از حضرت باقرالعلوم علیه‌السلام نقل شده که فرمود: وقتی که حسین (ع) به حضور رسول خدا - صلی الله علیه و آله - وارد می‌شد او را به سوی خود می‌کشید، و سپس به امیرالمؤمنین (ع) می‌گفت: «او را نگهدار»، بعد به طرفش خم می‌شد و او را می‌بوسید و می‌گریست. - حسین (ع) می‌گفت: ای پدر! چرا می‌گریی؟ - ای فرزند! جای شمشیرهایی که بر تو وارد می‌شود می‌بوسم. - ای پدر! آیا من کشته می‌شوم؟ - آری پدر و برادرت و خودت. - ای پدر! مکانهای شهادت ما مختلف خواهد بود؟ - بلی فرزندم. - چه کسی از امت تو مرا زیارت می‌کند؟ - جز صدیقین از امتم مرا و پدر و برادرت و تو را زیارت نمی‌کند [۴۸]. چنان که از این خبر نیز استنباط می‌شود، تأکیدی که بر زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام شده ارتباط مستقیم با مسأله‌ی شهادت آن حضرت دارد، که از روایات دیگر نیز برمی‌آید [۴۹] اما «صدیقین» که زائران [صفحه ۵۵۲] واقعی آن امام معرفی شده‌اند، کسانی هستند که رسول الهی و آنچه از جانب خدا آورده راست و درست می‌دانند، و خود راست گفتار و درست‌کر دارند [۵۰]. ۲- از ابوجعفر امام باقر علیه‌السلام نقل شده که فرمود: شیعیان ما را به زیارت قبر حسین علیه‌السلام امر کنید، که آمدن به حضورش بر هر مؤمنی که به امامت حسین (ع) از طرف خدای عز و جل اقرار دارد فرض و واجب است [۵۱]. ۳- امام جعفر صادق علیه‌السلام فرمود: هر کس قبر حسین بن علی علیه‌السلام را روز

عاشورا با معرفت به حقیقت زیارت کند، همانند کسی است که خدا را در عرش زیارت کرده [۵۲]. آن قدر که مقام را گنجایش توضیح می‌باشد این است که چنین تعبیرهایی روشن‌گر شدت تقرب سیدالشهدا علیه‌السلام به خدای سبحان و رفعت قدرتش در پیشگاه الهی می‌باشد، که دیدار با معرفت او چون «لقاء الله» است، و با آنچه از تأثیر شگرف شهادتش برای اعلای کلمه‌ی حق و معرفی اسلام راستین و اضمحلال کفر و باطل می‌دانیم، جای شگفتی از چنان تعبیرهایی نیست، و همچنان است که در زیارتش می‌خوانیم: «السلام علیک یا ثارالله و ابن ثاره» [۵۳]. اعتقاد به چنین احادیثی است که در روز عاشورا شیفتگان حسینی را برمی‌انگیزد تا دسته دسته و قبیله قبیله، پیاده و سواره به کربلا روی آورند، [صفحه ۵۵۳] و خاطره‌ی شهادت جانگدازش را تجدید نمایند. انعکاس این حرکت شورانگیز و راه افتادن دسته‌های عزاداری روز عاشورا در سایر شهرها، نیز برای زنده نگهداشتن قیام سیدالشهدا علیه‌السلام همواره و در هر زمان مهم و مؤثر بوده است، چنان که در آغاز انقلاب اسلامی ما نیز مشاهده شد و به اثبات رسید. ۴- آخرین حدیث ما در این بحث روایتی است که توضیح می‌دهد مشاهد مشرفه و به خصوص حائر حسینی علیه‌السلام نزد پروردگار متعال محبوب است و دعا در آن به اجابت می‌رسد و اینک ترجمه‌ی حدیث: ابوهاشم جعفری می‌گوید به حضور ابوالحسن علی بن محمد علیه‌السلام وارد شدم، در حالی که تبار و بیمار بود. حضرت به من گفت: ای ابا هاشم! مردی از موالی ما را به حائر بفرست تا خدا را بخواند و برایم دعا کند. از حضورش که خارج شدم با علی بن بلال روبرو شدم. آنچه امام هادی (ع) به من گفته بود به وی اعلام کردم، و از او خواستم همان کسی باشد که به حائر می‌رود. او گفت [درخواست را] می‌پذیرم و فرمانبردارم، ولی من می‌گویم یقیناً امام از حائر افضل است، زیرا به منزله‌ی کسی است که در حائر است، و دعای حضرتش باری خود برتر از دعایی است که من در حائر برایش بکنم. آنچه علی بن بلال گفته بود به امام اطلاع دادم. حضرت به من فرمود به او بگو: رسول خدا - صلی الله علیه و آله - از خانه‌ی خدا و حجر الأسود افضل بود، ولی گرد خانه طواف می‌کرد، و به حجر دست مالیده می‌بوسید. همانا خدای تعالی را بقاع - یعنی قطعه زمین‌هایی ممتاز - است که دوست دارد [صفحه ۵۵۴] در آنها دعا شود، و برای کسی که دعا می‌کند استجاب نماید، و حائر حسینی علیه‌السلام از این ابقاع است [۵۴]. به نظر نویسنده این فضیلت که حائر امام حسین علیه‌السلام یافته، و دعا در تحت قبه‌ی منورش مستجاب می‌شود، به اقتضای صفت «شکور» است که آفریدگار متعال متصف به آن است. در برابر بزرگترین ایثار و فداکاری که سیدالشهدا علیه‌السلام برای معرفی اسلام راستین کرد، یعنی اسلامی که قرآن کتاب آن و جدش پیام آور و مبلغ و جهادگر راه آن بود، و به دست امویان دنیا پرست ستم پیشه‌ی طاغوت منش واژگونه شده بود، در آن مقطع از تاریخ اسلام خون پاک سیدالشهدا (ع) و خانواده و یارانش پیکانی بود که مسیر حرکت درست اسلامی را نشان داد، و خط سرخ بطلان بر همه‌ی راههای انحرافی کشید، پس طبیعی است که خدای شکور چنین آثار معنوی بر زمینی که آن اجساد مطهر را در برگرفته بار کند و چرا چنین نباشد، در حالی که او در راه معبود محبوبش همه چیز خود را مخلصانه فدا کرد و پاک باخته شد و به حق شایسته‌ی چنین پاداشی گشت. پاداشی که روشن‌گر فضایل و امتیازات «زیارت»، «زائر» و «زیارتگاه» سیدالشهدا علیه‌السلام می‌باشد.

### فضیلت زیارت ثامن الائمه علیه السلام

بعد از زیارت سیدالشهدا (ع) ظاهراً بیشترین سفارش و تأکید نسبت به زیارت امام رضا - علیه آله و التّحیة و الثّنا - شده. علت این امر چنان که از گفتار علمای اعلام هم برمی‌آید: [صفحه ۵۵۵] اولاً دوری مرقد مطهر حضرتش از خاستگاه اسلام و موطن ائمه یعنی مکه و مدینه است. با توجه به دشواری مسافرت و خطراتی که داشته طبیعی است که در ترغیب و تشویق به زیارت آن حضرت تأکید زیادتری بشود، تا جمع بیشتری از شیعیان به مشرق کشورهای اسلامی - خراسان - روی آورند، و تشیع در این ناحیه مقامی والا یابد، که تاریخ فرهنگی شیعه نشان می‌دهد مرقد مطهر هر یک از ائمه‌ی ماقله‌ی رفیعی بوده که زلال علم و معرفت از آن به



قلوب شیعیان سرازیر می‌شده، و علمای گران قدر ما در بستر روحانیت و فیض بخشی آنان پرورش می‌یافته‌اند، مهمترین مدارس طلاب و حوزه‌های علوم دینی و کتابخانه‌ها در کنار بقاع متبرکه‌ی آنان به وجود آمده، و به حیات بالنده‌ی خود ادامه داده و استمرار فرهنگ تشیع را سبب شده است. ثانیاً با توجه به فرقه‌های مختلفی که در اسلام پیدا شدند، و ائمه‌ی اثنی عشر همه را قبول نداشتند - مانند اسماعیلیه و واقفیه - کسانی که امامت این هشتمین پیشوای منصوب و منصوص از طرف رسول اکرم را پذیرفتند، امامت بقیه‌ی ائمه‌ی اثنی عشر را نیز قبول کردند، و در موضوع ولایت و خلافت به اسلام راستین و خالص راه یافتند [۵۵] و اینک چند حدیث در این باب: ۱- عبدالسلام بن صالح هروی از حضرت رضا علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود: به زودی طوس محل آمد و شد شیعیان و زائرانم می‌گردد. بدان هر کس مرا در طوس که دور از وطن [مدینه] است زیارت کند، روز قیامت با من است و هم رتبه‌ی من، در حالی که گناهانش آمرزیده شده [۵۶]. ۲- عبدالعظیم حسنی از امام محمد تقی علیه‌السلام روایت می‌کند [صفحه ۵۵۶] که گفت: کسی که قبر پدرم رضا - علیه‌السلام - را در طوس با شناخت حقیقت زیارت کند، نزد خدای تعالی برایش بهشت را ضمانت می‌کنم [۵۷]. ۳- در خبر است که روزی فرزندان امام موسی بن جعفر علیهما‌السلام در حضورش گرد آمده بودند، که نوجوانش - علی - از آنجا عبور کرد حضرت گفت: این فرزندم در سرزمین غربت [دور از مدینه] می‌میرد. هر کس در حالی که تسلیم فرمانش و عارف به حقیقت باشد او را زیارت کند، در پیشگاه خدای عزوجل همانند شهدای جنگ بدر است [۵۸]. اکنون جای این سؤال هست که مقصود از «عارفا بحقه» که در بسیاری از روایات مربوط به زیارت آمده چیست؟ بی‌شک مطمئن‌ترین جواب را در متن احادیث می‌یابیم. چنان که همین سؤال را از حضرت صادق (ع) می‌کنند که: «مقصود از عرفان به حق امام چیست؟» و امام می‌فرماید: بدانند او (مقصود ثامن الأئمه است) امامی است که اطاعتش فرض است، او دور از وطن و شهید است [۵۹]. در حدیث دیگر راوی معرفت مذهبی زائری را که مورد تأیید امام جواد (ع) [صفحه ۵۵۷] قرار می‌گیرد چنین توصیف می‌کند: «کسی که به زیارت شما بیاید در حالی که شناسای حق شماست، و می‌داند که البته شما حجت خدا بر حق هستید، و دری که برای کسب معرفت [از آن باید وارد شد» [۶۰]. در حدیثی راجع به ثواب زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام چنین تعبیر پر معنای آمده: «عارفا بحقه یاتم به» [۶۱]: شناسا به حق امام که او را پیشوا قرار داده پیرویش می‌کند. آری در دینی که برای هر یک از افراد جامعه بر دیگری حقی معین می‌کند، و حتی از حق فرزند بر والدین یا حق مرکوب بر راکب سخن به میان می‌آورد، بدیهی است که مهمترین حق را از آن «امام» که رهبر دینی و دنیوی جامعه‌ی اسلامی است بدانند [۶۲]، و ولایت و اطاعتش را واجب شمرند، و همین حق است که در «زیارت» بیان می‌شود، تا تذکری و تعلیمی باشد که در عمل نیز به کار بسته شود، و این یکی دیگر از جهات اهمیت زیارت است. در پایان این بحث نکته‌ی گفتنی آنست که بنا بر بعضی روایات، ثواب زیارت ائمه معصومین یکسان است، چنان که امام موسی بن جعفر علیه‌السلام می‌فرماید: [صفحه ۵۵۸] «هر کس نخستین ما را زیارت کند همانا آخرین ما را زیارت کرده، و آن کس که آخرین ما را زیارت کند همانا نخستین ما را زیارت کرده [۶۳]...» و این گونه اخبار با آنچه در فضیلت زیارت سیدالشهدا (ع) یا ترغیب به زیارت حضرت رضا (ع) نقل کردیم منافای به نظر می‌رسد، و با برتری و تقدیمی که رسول خدا و علی مرتضی - صلوات الله علیهما - بر دیگر ائمه دارند نیز ظاهراً سازگار نمی‌آید. پاسخ اشکال را از بیان مشکل گشای عالم آل محمد ثامن الأئمه - علیه‌السلام - نقل می‌کنیم که به حسین بن محمد قمی می‌فرماید: هر آن کس که مرقد پدرم - موسی بن جعفر (ع) - را در بغداد [۶۴] زیارت کند، مانند کسی است که قبر رسول خدا (ص) و قبر امیرالمؤمنین (ع) را زیارت کرده، جز این که آن دو را فضل خاص و افزونی ویژه شان بر دیگر ائمه به جای خود هست [۶۵]. بنابراین برابری و همانندی زیارت امامان منافاتی با مقامات خاص و فضایل ویژه‌ی رسول خدا که خاتم انبیا و علی که امیر مؤمنین و برتر اولیا یا امام حسین که سید و سرور شهداست ندارد. بر این مطلب باید آنچه علامه‌ی محقق عبدالحسین امینی ذیل حدیث مروی از جواد الأئمه نوشته [۶۶] افزود. وی در توضیح خبری که فضیلت بیشتر [صفحه ۵۵۹] زیارت ثامن الأئمه را بر زیارت سیدالشهدا بیان کرده می‌نویسد: «تاریخ به ما اوضاع زمان امام جواد

علیه‌السلام را گزارش می‌دهد، که زیارت حضرت رضا علیه‌السلام از ترس ممانعت و سختگیری سلطان تعطیل شده بود، به طوری که در آن دوره جز خواص از شیعه حضرتش را زیارت نمی‌کردند، همان طور که در حدیث دیگری به آن تصریح شده. بنابراین منافاتی نیست بین این حدیث و بین آنچه دلالت بر افضلیت امام حسین (ع) و زیارت او بر حضرت رضا (ع) و زیارتش می‌نماید، وقتی که زیارت از اعتبارات و خصوصیات که به حکم زمان و احوال بر آن عارض شده خالی شود، و این اختصاص به حضرت رضا (ع) ندارد، بلکه نسبت به زیارت هر امام که خصوصیتی پیدا کند این حکم جاریست» [۶۷]. کوتاه سخن آن که ائمه‌ی معصومین با در نظر گرفتن اوضاع سیاسی و اجتماعی زمان، و میزان مخالفتی که سلاطین جور با زیارت مشاهده مشرفه داشتند، به تشویق و ترغیب شیعیان برای زیارت این اماکن الهام بخش می‌پرداختند. آنچه نویسنده از مجموع روایات این باب می‌فهمد این است که بقاع متبرکه‌ی هیچ یک از حجت‌های خدا نباید از زائر تهی ماند، و بیوتی که خدای تعالی خواسته از پگاه و شامگاه نامش به تسیح و تقدیس یاد شود خلوت گردد، که در این صورت «زیارت» که رشته‌ی ارتباط قلبی و الهام‌گیری شیعه از ائمه‌ی برحق است گسسته می‌شود، و با گذشت زمان یادشان و سیره‌شان از خاطره‌ها محو می‌گردد و این فاجعه‌ی معنوی است که سلطه‌جویان همین را می‌خواهند، و چنین مباد. [صفحه ۵۶۰]

## دو عنصر عاطفی زیارت

تأثیر مهم زیارت - به خصوص زیارت سیدالشهدا علیه‌السلام - در ایجاد روحیه‌ی کفر ستیزی و ظالم کشی و حق طلبی به واسطه‌ی وجود دو عنصر عاطفی مهم در آن است، که می‌توانیم از آن به تولا و تبرا تعبیر کنیم. چنان که می‌دانیم زیارت‌ها با سلام و تحیت و اظهار مودت به ائمه‌ی هدی آغاز می‌شود، سلامی که امام در آنها به اوصاف جمیلش خطاب می‌شود، و مقاماتی که به فضل پروردگار داراست ذکر می‌گردد، و شایستگی آنان برای پیشوایی امت و لزوم تبعیت و فرمان‌برداری شان یاد می‌شود، که این همه را می‌توانیم «تولا» و اظهار دوستی و اطاعت بنامیم، و اینک ترجمه‌ی چند سلام از متون زیارت برای ارائه‌ی مثال: در «دومین زیارت مخصوص امیرالمؤمنین علی (ع)» می‌خوانیم: سلام بر تو ای امام خردمندان. سلام بر تو ای معدن حکمت و فصل الخطاب [۶۸]. سلام بر تو ای کسی که علم کتاب خدا نزد اوست. سلام بر تو ای میزان روز حساب (مساوی وسیله‌ی سنجش اعمال). سلام بر تو ای تمیز دهنده‌ی حکم [حق از باطل] که به راستی و درستی گویائی ... سلام بر تو ای ولی خدا و حجت او، و خالص برای خدا و ویژه‌ی او. ای ولی خدا! گواهی می‌دهم که به تحقیق تو در راه خدا جهاد کردی، چنان که شایسته و حقیق بود، و راه راست رسول الله را - که درود خدا بر او و آتش باد - پیروی کردی، و حلال شمردی حلال خدا را، و حرام شمردی حرام خدا را [۶۹...]. [صفحه ۵۶۱] در زیارت امام حسین بن علی علیه‌السلام نیز «سلام» با وصفی از امام همراه است، اما چون حضرتش سید شهیدان است، توصیفش در فضای انقلابی خاصی بیان می‌شود: با رنگ خون و لحن خونخواهی، اینک یک نمونه: سلام بر تو ای حجت خدا و فرزند حجتش. سلام بر تو ای کشته شده‌ی [راه] خدا و فرزند کشته شده [در راه] او. سلام بر تو ای یگانه شهید - در آسمانها و زمین - که خون بهایت پرداخت نشده، و خدا از تو خونخواهی می‌کند. گواهی می‌دهم که خونت در بهشت جاوید جایگزین شد، و سایه‌های عرش برای آن به لرزه در آمد، و همه‌ی خلائق بر آن گریستند [۷۰...]. در آغاز «زیارت جامعه‌ی کبیره» که از وثاقت و محتوایی بس عالی برخوردار است چنین به پیشوایان خود سلام می‌دهیم: سلام بر شما ای خاندان نبوت و جایگاه رسالت، و محل رفت و آمد فرشتگان و فرودگاه وحی، و معدن رحمت و گنجوران دانش، و حد نهایی بردباری و شکیبایی، و ریشه‌های بخشش و بزرگواری، و پیشوایان امتهای ولی نعمتها، و مایه‌های [پرورش] نیکان و تکیه‌گاه‌های نیکوکاران، و سیاستمداران بندگان، و اسباب قوت و شوکت شهرها و درهای ایمان و افراد امین خدای رحمان، و نژاد پیامبران و زبده و برگزیده‌ی رسولان و عترت برگزیده‌ی پروردگار جهانیان و رحمت خدا و برکاتش [بر شما] [۷۱]. بدین ترتیب چنان که ملاحظه می‌شود زیارتنامه‌ها که

بخش عمده‌ی آن [صفحه ۵۶۲] سلام بر مزور است، خود دفتری نورانی از مقامات معنوی و کمالات روحی و اوصاف و مناقب پیامبر گرامی و عترت طاهره اش می‌باشد، و کار نامه‌ای از کوششهای آنان برای برافراشتن پرچم توحید و ترویج قرآن و امر به معروف و نهی از منکر و به بیان دیگر امام شناسی به گونه‌ای زنده و آموزنده، در عباراتی شیوا و خوش نوا. پس از این تحیت و منقبت، زائر نفرت و بیزاری خود را از بنیانگذاران حکومت ظلم و فساد و سلطه جویان که تضييع کنندگان حقوق آن اخیار و ابرارند به صورت لعن و نفرین بیان می‌کند، و از کردار آن ستمگران تبری می‌جوید، چنان که در زیارت امیرالمؤمنین (ع) می‌گوییم: **خدايا! لعنت کن قاتلان امیرمؤمنان را، خدايا لعنت کن قاتلان حسن و حسین را، خدايا لعنت کن قاتلان ائمه را، و عذابشان کن به عذابی دردناک که احدی از جهانیان را آن طور عذاب نکردی، عذابی بسیار که آن را گسستن و انقطاعی نیست، و مدت و نهایتی ندارد.** برای این که با والیان امر تو مخالفت و ستیزه کردند، و آماده کن برای آنها عذابی که آن را به هیچ یک از آفریدگانت وارد نکردی [۷۲...]. در زیارتهای سرور شهیدان حسین بن علی علیهماالسلام این لعنت و تبری با تأکید و تشدید زیادتری بیان شده، که از آن میان به نقل آنچه در زیارت عاشورا آمده اکتفا می‌کنیم: ای اباعبدالله! راستی که این پیش آمد ناگوار و مصیبت رسیده به تو بر ما و بر همه‌ی مسلمانان بزرگ و سترگ است. آنچه به تو رسیده در آسمانها بر همه‌ی آسمانیان [نیز] سترگ و بزرگ است. [صفحه ۵۶۳] پس خدا لعنت کناد [و دور از رحمتش گرداناد] گروهی را که بنیاد ستم و بیداد بر شما خاندان [پیامبر] را پی‌ریزی کردند، و خدا لعنت کناد مردمی را که از [تصدی] مقام تان شما را بازداشتند، و از رتبه‌ها و درجاتی که خدا شما را در آنها نهاده بود دور کردند. خدا لعنت کناد [و دور از رحمتش گرداناد] گروهی که شما را کشتند، و هم لعنت کناد کسانی را که برای قدرت دادن به آنان در جنگ با شما زمینه‌ها فراهم کردند - [و مقدمه چینی نمودند]. من در پیشگاه الهی و حضور شما از آنان و پیروان و تابعان و دوستانشان بیزاری و دوری می‌جویم. ای اباعبدالله! واقعا تا روز قیامت من صلحم با هر که با شما سر صلح و آشتی دارد، و در نبردم با هر که با شما در جنگ است. خدا لعنت کناد آل زیاد و آل مروان را، و خدا همه‌ی بنی‌امیه را لعنت کناد، و خدا لعنت کناد پسر مرجانه را، و خدا لعنت کناد عمر بن سعد را، و خدا لعنت کناد شمر را. خدا لعنت کناد مردمی را که زین برنهادند و لگام زدند [اسبان را] و نقاب بستند برای جنگ و کشتن تو... ای اباعبدالله! من تقرب می‌جویم به خدا و رسولش و امیرمؤمنان و فاطمه و حسن و توبه دوستی و پیوستگی نمودن با تو، و بیزاری و دوری از هر کس که پایه‌ی [ظلم و قتل شما را] گذاشت، و ساختمانش را بر آن بنا کرد و ستم و بیدادش را بر شما و بر پیروانتان روا داشت... این مضامین شورانگیز در بیان فضایل فرزندان رسول اکرم و آرزوی یاری و همراهی با آنان، و لعن و طعن بر ظالمان و دشمنانشان دائم به زائر تلقین می‌شود، و سبب تشجیع و قدرت روحی او می‌گردد، و شعله‌ی خشم مقدسی را در کانون دلش می‌افزود، که ریشه‌ی هر ستم و ستمکاری را می‌سوزاند، و نفرت و کینه و قهرش را نسبت به حکام ظالم در طول تاریخ برمی‌انگیزد [۷۳]، حکامی که یا از نسل و تبار همان شجره‌ی خبیثه یعنی بنی - [صفحه ۵۶۴] امیه‌اند با همان رذالت و خباثت، یا از نظر فکری و راه سیاسی از دودمان عباسیانند، یعنی طاغوت‌های جاه طلب حيله‌گر، و در هر دو صورت دشمن علم و تقوی و عدالت و فضیلتند، که در عترت رسول و شیعیانشان متجلی بوده و هست. پس تا کاخ ستمی در جهان بر پاست خواندن زیارت و ادای لعن و نفرین رواست، و تا دست تجاوزی دراز است، در این لعن به رویشان باز است. دشمنی و بیزاری از سلاطین جور و تولای ائمه‌ی معصومین، طبعاً قهری آشتی ناپذیر را با هر گناه و ظلم و فساد در زائر ایجاد می‌کند، و مانع از آن می‌شود که او خود به مفاصد آلوده گردد، یا یاور ظلمه و اشرار شود، و این است اثر روانی و تربیتی زیارت، که از طریق عاطفی - تولا - و تبرا - به وجود می‌آید، و به زندگی اجتماعی زائر معنی و هدف و جهت می‌بخشد.



برای ما که اینک بر قله‌ی بلند پانزده قرن بعد از هجرت قرار گرفته‌ایم، و مشرف بر تاریخ گذشته‌ی کشورهای اسلامی به مشاهد مشرفه‌ی ائمه‌ی هدی - به ویژه حضرت سیدالشهدا علیه‌السلام - می‌نگریم، این امکان هست که حوادث وارده بر این اماکن مقدس را - از غارت و تخریب تا بازسازی و تعمیر - در آینه‌ی زمان ببینیم، و به تأثیرات روحی و معنوی، فرهنگی و مذهبی، اجتماعی و انقلابی این بقاع منوره در جامعه‌ی اسلامی پردازیم، و [صفحه ۵۶۵] یا ارائه‌ی شواهد تاریخی [۷۴] بگوییم: زیارت چون از سر معرفت انجام گیرد اولاً در ابلاغ هدف امام و ادامه‌ی رسالتش در طول تاریخ و بین امت مسلمان مؤثر است، و سبب استمرار فرهنگ ظلم ستیز و عدالت گستر تشیع بوده است، و همین جنبه از زیارت است که طاغوت‌های زمان را به وحشت می‌انداخته، تا این حد که از زیارت ممانعت به عمل آورند، و زشت‌ترین ستمها را نسبت به زائران و مزار ائمه روا دارند. ثانیاً موجب افزایش معرفت و شناخت زائر نسبت به امام زمان و پیشوای دینی و دنیوی می‌شود، یعنی اسوه‌ی حسنه و مدل عالی و نمونه‌ی عملی رهبر و شیوه‌ی رهبری را می‌یابد، و دیگر شرق آشنا یا غرب گرا نمی‌شود، بلکه تولای شان انگیزه‌ای برای اتمام و اطاعت از امام می‌گردد، و پیروی امام پیمودن همان صراط [۷۵] مستقیمی است که به فردوس برین و پیشگاه «ملیک مقتدر» منتهی می‌شود [۷۶]، و هو المطلوب.

## پاورقی

[۱] در این توصیف «زیارت» به معنی اخص مورد نظر است، که در درجه‌ی اول مصداقش حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد، و سپس ائمه‌ی اثنی عشر علیهم‌السلام و انبیای الهی. [۲] تفصیل آداب و اهمیت زیارت را بین اقوام مختلف در «دایرة المعارف مذهب و اخلاق» (ج ۱) می‌توان دید: [۳] [Encyclopaedia of Religion and Ethics. Vol. X. رک: وسائل الشیعه، ج ۲۵۳ / ۱۰، بحار الأنوار، ج ۱۱۶ / ۱۰۰، که از کتابهای کافی، عیون الأخبار و مقنعه نقل کرده اند. [۴] ترجمه‌ی خبری است که از ثامن الأئمه علیه‌السلام نقل شده (الأصول من الکافی، کتاب الحجة، ۱۹۳ / ۱). [۵] رک: کامل الزیارات، ص ۳۰۵. [۶] الغدیر، ج ۹۳-۹۶ / ۵. [۷] رک: کامل الزیارات، باب دوم، ۱۵-۱۲. [۸] مأخذ پیشین، ص ۱۴، حدیث ۱۷. [۹] رک: الغدیر، ج ۹۹-۹۸ / ۵. یادآوری می‌شود جمله‌ی اخیر حدیث در برخی از مأخذ آمده نه همه‌ی آنها. [۱۰] همان مأخذ، ۱۰۰ / ۵. این حدیث در ۹ مأخذ از دانشمندان اهل سنت ذکر شده. [۱۱] بحار الأنوار، ج ۱۳۹ / ۱۰۰. [۱۲] وسائل الشیعه، ۲۵۴ / ۱۰. [۱۳] کامل الزیارات، ۱۲۲، حدیث ۴. [۱۴] وسائل، ۲۵۴ / ۱۰. [۱۵] ابواء: نام قریه‌ای که تا جحفه ۲۳ میل فاصله دارد. گور آمنه بنت وهب مادر رسول الله - صلی الله علیه و آله - بدانجاست (لغت نامه‌ی دهخدا). [۱۶] ابوهریره از پیغمبر اکرم روایت کرده است که فرمود: خدا به من اجازه داد قبر مادرم را زیارت کنم (صحیح مسلم، ۶۵ / ۳، سنن ابی داود، ۲۱۲ / ۳). حتی نقل شده که اشک غم از دیدگان حضرتش جاری شد، چنان که حاضران نیز به گریه در آمدند. (برای ملاحظه‌ی مأخذ دیگر در این باب رجوع شود به: کشف الارتیاب فی اتباع محمد بن عبدالوهاب، السید محسن الامین، ۴۷۳ - ۴۷۲). [۱۷] برای ملاحظه‌ی کتبی از علمای اهل سنت که زیارت توأم با ندبه و زاری و مرثیه‌خوانی فاطمه‌ی زهرا (ع) را بر مدفن پدر بزرگوارش نقل کرده‌اند رک: الغدیر، ۱۴۷ / ۵. [۱۸] رک: الغدیر (۱۶۹ / ۵) که به نقل از سنن بیهقی (۷۸ / ۴) و مستدرک حاکم (۳۷۷ / ۱) می‌نویسد: «کانت فاطمة رضی الله عنها تزور قبر عمها حمزة کل جمعة فتصلی و تبکی عنده». مخفی نماند حمزه عموی بلا واسطه‌ی نبی اکرم است و عم با واسطه‌ی حضرت فاطمه (ع). [۱۹] رک: الغدیر، ۱۴۷ / ۵. [۲۰] در تفسیر کشف الأسرار که از آثار سده‌ی ششم است می‌خوانیم «در آثار بیارند که امیرالمؤمنین علی (ع) به زیارت بیرون رفت بر سر گور فاطمه، می‌گریست و می‌گفت: مَا لِي وَقَفْتُ عَلَى الْقُبُورِ مُسْلِمًا قَبْرَ الْحَبِيبِ فَلَمْ يَزِدْ حَيَوَابِي (... ۶۲۶ / ۱). [۲۱] محدث قمی از کتب معتبر زیارت جابر بن عبدالله انصاری را نقل کرده، و گفتگوش را با امام حسین علیه‌السلام ذکر نموده است. رک: منتهی الآمال، چاپ کتابفروشی و چاپخانه محمد حسن علمی، ۵۳۶. [۲۲] رک: الغدیر،

۱۰۰ / ۵، که نشان این حدیث را از ۹ مأخذ می‌دهد. [۲۳] مأخذ پیشین، ۱۰۵-۱۰۴ / ۵، در ۹ کتاب این حدیث نقل شده. در الغدیر ۲۲ حدیث در این باره ذکر شده است (۱۰۸-۹۳ / ۵). [۲۴] جفا زیدا صاحبه جفوا و جفاء و جفا: ضد واصله و آنسه، و فی الأساس «فعل به ماساءه» (اقرّب الموارد). [۲۵] به نقل از: الغدیر، ۱۰۹ / ۵. [۲۶] مأخذ پیشین، ۱۱۰ / ۵. [۲۷] همان مأخذ، ۱۱۰ / ۵. [۲۸] ابوالعباس احمد بن عبدالحلیم حرانی (۷۲۸-۶۶۱) پیشرو منکران زیارت است. چون عقایدش برخلاف معتقدات دیگر فرق اهل سنت بود، همواره مورد طعن و زجر آنان قرار می‌گرفت، به خصوص در مورد انکار استحباب زیارت قبور متبرکه و تحریم شد حال برای آن، و عقایدی که تجسیم خدای سبحان را می‌رساند. (رک: لغت نامه‌ی دهخدا: ابن تیمیه). شاگرد وی ابن قیم الجوزیه (۷۵۱-۶۹۱) در تبلیغ همان اعتقادات کوشید، و درو نمایه‌ی فکری محمد بن عبدالوهاب (۱۲۰۶-۱۱۱۵) پیشوای وهابیان را فراهم کرد. برای ملاحظه‌ی آراء وی رک: جزیره‌ی العرب فی القرن العشرین، حافظ وهبه، ۳۳۱ به بعد. [۲۹] شرح بیشتر نوشته‌ی سبکی را در الغدیر (۱۱۴-۱۱۲ / ۵) توان دید. [۳۰] رک: الغدیر، ۱۲۵ / ۵. [۳۱] احیاء علوم الدین، مصر، ۴۹۰ / ۴. [۳۲] خوانندگان را به اهمیت دفاع از ثغور اسلام و مرزبانی سرزمین مسلمین که در این حکم آمده توجه می‌دهد. [۳۳] احیاء علوم الدین، ۲۴۴-۲۴۳ / ۱. [۳۴] حاکم در المستدرک (۳۷۵ / ۱) حدیث را از انس بن مالک نقل می‌کند، اما محدثان دیگر از علی علیه‌السلام و دیگر اصحاب با اندک تفاوت لفظی نقل کرده‌اند، رک: الغدیر، ۱۶۸-۱۶۶ / ۵. [۳۵] سوره‌ی نور، ۳۶: در خانه‌هایی که خدا اجازه داد و فرمود که آن را بزرگ شمرند و قدر آن بلند دارند، و او را در آن نام برند و یاد کنند. [۳۶] رک: کتاب الصافی فی تفسیر القرآن، الجزء الاول من المجلد الثانی، ص ۱۱۸، که از کتاب کافی و اکمال الدین نقل می‌کند: حضرت امام باقر (ع) فرمودند: این بیوت خانه‌های انبیا و رسولان و حکما و ائمه‌ی هدی می‌باشد. [۳۷] به نقل از: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۱۵ / ص ۱۴۲ (ترجمه ج ۲۹ / ص ۲۰۵). از این روایت را از تفاسیر شیعی نیز نقل کرده‌اند. [۳۸] توضیح مذکور با توجه به معنی لغوی «شفاعت» است که در فرهنگهای کهن «خواهش کردن» ترجمه شده (لسان التنزیل، ۴۳) و در «المفردات» این چنین معنی شده: «الشفاعة الانضمام الی آخر، ناصراله و سائله عنه، و اکثر ما يستعمل فی انضمام من هو اعلی حرمة و مرتبة الی من هو ادنی...». بحثهای قرآنی و روانی و فلسفی مربوط به شفاعت را در المیزان (ج ۱۸۴-۱۵۵ / ۱) توان دید. [۳۹] رک: تاریخ کربلا و حائر حسین، ۶۱-۶۰. [۴۰] کامل الزیارات، ۱۲۶. متذکر می‌شود احادیث وارده در این باره متعدد است. [۴۱] مأخذ سابق، ۱۱۶. این حدیث با سلسله اسنادی دیگر و اضافاتی در صفحه ۱۲۶ نیز نقل شده. [۴۲] همان مأخذ، ۱۲۵، در این باب ۵ حدیث نقل شده. [۴۳] تاریخ کربلا و حائر حسین، ۷۰-۶۹. [۴۴] مأخذ پیشین، ۱۳۷. [۴۵] رک: تاریخ کربلا و حائر حسین، ۱۴۰. مؤلف شرح واقعه را از این منابع نقل می‌کند: امالی شیخ طوسی، ۲۰۶؛ مناقب ابن شهر آشوب ۱۸۹ / ۲؛ بحار الأنوار ۲۹۷ / ۱۹؛ اعیان الشیعه ۳۰۴ / ۴ و کتب دیگر. [۴۶] مقاتل الطالبیین، چاپ ایران، ۲۰۳، نیز رک: ابن اثیر در حوادث سال ۲۳۶، و تاریخ ابوالفداء - (جلد ۷) در وقایع سال ۲۳۶ (به نقل از تاریخ کربلا و حائر حسین، ۱۴۴)، و تاریخ اسلام، از دکتر علی اکبر فیاض، ص ۱۹۹. [۴۷] کامل الزیارات، ۲۹۹، حدیث ۵. [۴۸] کامل الزیارات، ۷۰. [۴۹] مأخذ پیشین، ۱۰۹، حدیث ۱، که در آن حضرت سید جوانان بهشتی و سید شهیدان نامبرده شده است. [۵۰] رک: اقرّب الموارد؛ الاصول من الکافی، ج ۲، ذیل ص ۱۰۵. [۵۱] کامل الزیارات، ۱۲۱. [۵۲] مأخذ پیشین، ۱۷۴، حدیث ۳. [۵۳] با توجه به معنی «ثار» که «انتقام خون گرفتن و خون‌خواهی»، «خون» است، عبارت مذکور پذیرای دو معنی است: سلام بر تو ای خون خدا و فرزند خون او، یا سلام بر تو ای کسی که خدا خون‌خواهی تو را - می‌کند و پسر چنان کسی، و این معنی لطیف تر است. [۵۴] کامل الزیارات، باب التسعون، ۲۷۴. این خبر با اندک تفاوت لفظی به دو طریق دیگر نیز در همین باب نقل شده. [۵۵] رک: بحار الأنوار، ج ۳۹ / ۱۰۲، ذیل شماره ۳۵. [۵۶] وسائل الشیعه، ۴۳۸ / ۱۰. [۵۷] مأخذ پیشین، ۴۳۵ / ۱۰. [۵۸] کامل الزیارات، ۳۰۴. روایات رسیده درباره زیارت ثامن الأئمه (ع) متعدد است، در مأخذ مذکور و وسائل الشیعه توان دید. [۵۹] وسائل الشیعه، ۴۳۵ / ۱۰. چون حدیث در بیان ثواب زیارت حضرت رضا علیه‌السلام است تعبیر غریب (دور از وطن) در آن آمده. [۶۰] کامل الزیارات،

۳۰۵. این حدیث تذکارتی است برای آنان که معارف الهی را جز از طریق نبی اکرم و ائمه معصومین می‌جویند. [۶۱] کامل الزیارات، ۱۳۹. [۶۲] رک: تحف العقول، رساله الحقوق، ۲۶۱: نهج البلاغه خطبه ۲۰۷ ص ۶۷۴ (از ترجمه‌ی فیض الاسلام). [۶۳] برای ملا-حظه‌ی تمام حدیث رک: کامل الزیارات، ۳۳۶، و برای دیدن روایات دیگر در این مورد رک: بحار الانوار، ۱۲۴ / ۱۰۰. [۶۴] مقصود کاظمین است که در آن زمان به این نام خوانده نمی‌شده. [۶۵] کامل الزیارات، ۳۰۰-۲۹۹؛ وسائل الشیعه، ۴۲۸ / ۵. [۶۶] مراد روایتی است که در آن ابن مهزیار گوید: به ابوجعفر حضرت جواد (ع) گفتم: فدایت شوم، زیارت امام رضا (ع) افضل است یا زیارت اباعبدالله الحسین (ع) حضرت فرمود: زیارت پدرم فضیلتش بیشتر است، به این جهت که امام حسین (ع) را همه مردم زیارت می‌کنند، اما پدرم را جز شیعیان خاص و زبده زیارت نمی‌نمایند. (کامل الزیارات، ۳۰۷-۳۰۶، وسائل الشیعه، ۴۴۲ / ۱۰، بحار، ۳۸ / ۱۰۲. در کتاب کافی نیز نقل شده). [۶۷] کامل الزیارات، ۳۰۶-۳۰۵. [۶۸] فصل الخطاب: کلام فصیحی که میان حق و باطل فرق گذارد و حق را آشکار کند (غیاث اللغات). [۶۹] مفاتیح الجنان (کلیات)، کتاب فروشی اسلامیة، شماره ۲۵، ص ۵۰۸ و ۵۱۰. [۷۰] مأخذ پیشین، زیارت مطلقه امام حسین (ع)، زیارت اول، ۵۶۰. [۷۱] مأخذ پیشین، زیارات جامعه، زیارت جامعه کبیره، ۷۰۶ به بعد. [۷۲] کلیات مفاتیح الجنان، نخستین زیارت مطلقه‌ی امیرالمؤمنین (ع)، ۴۶۹. [۷۳] در زیارت جامعه‌ی کبیره به این حال و روحیه تصریح می‌کند و می‌گوید: سلم لمن سالمکم و حرب لمن حاربکم! هر کس که تسلیم و مطیع شماست من با او در صالح و صفایم، و در برابر کسی که با شما به جنگ پرداخته، همه جنگ و ستیزم. [۷۴] اندکی از شواهد تاریخی و روایی نقل شد. [۷۵] شایان ذکر است که از جمله معانی «امام» در کتب لغت «راه» است (رک: منتهی الأرب: أمم)، و در زیارت جامعه نیز می‌خوانیم: انتم الصراط الأقوم، و در زیارت چهارم امیرالمؤمنین (در مفاتیح الجنان) آمده: السلام علی الصراط الواضح. [۷۶] آنچه در این گفتار - که به مناسبت کنگره‌ی جهانی حضرت رضا علیه السلام فراهم آمده - به اختصار بیان شده، غالباً برگرفته و برگزیده‌ای است از کتاب نویسنده، در ۴۴۰ صفحه، به نام: شوق دیدار، مباحثی پیرامون زیارت، از انتشارات اداره امور فرهنگی آستان قدس رضوی - طالبان تفصیل مباحث بیان شده را به کتاب مذکور ارجاع می‌دهیم.

### درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱) با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹ بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند. مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه‌های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است. اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب،

گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید. از جمله فعالیت‌های گسترده مرکز: الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ... د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای و راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴) ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ... ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ... ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶ وب سایت: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com) ایمیل: [Info@ghaemiyeh.com](mailto:Info@ghaemiyeh.com) فروشگاه اینترنتی: [www.eslamshop.com](http://www.eslamshop.com) تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱) نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله. شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۱۹۷۳-۳۰۴۵ و شماره حساب شبا: ۵۳-۰۶۰۹-۰۶۲۱-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۱۸۰-۰۱۹۰ IR به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام :- هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید». التفسیر المنسوب الی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رهایی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجّت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟». [سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد». مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».





مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

# گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

**۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹**

